

باقیمانده سود سهام عدالت

شهریور پرداخت می‌شود

رئیس اتاق تعاون ایران گفت بخشی از سود سهام عدالت ۱۴۰۲ اسفندماه سال گذشته پرداخت شد و باقی هم تا اواسط یا پایان شهریورماه امسال به حساب افراد واریز می‌شود.

بهمن عبداللهی، رئیس اتاق تعاون ایران درباره زمان و نحوه پرداخت باقیمانده سود سهام عدالت گفت: هر سال سود سهام عدالت توسط صندوق سپرده‌گذاری مرکزی و وزارت اقتصاد میان سهامداران توزیع می‌شود.

وی با اشاره به وجود ۲ دیدگاه در این زمینه اظهار کرد: نخستین نظر بر توزیع مستقیم سود میان سهامداران تأکید دارد، در حالی که منتقدان می‌گویند مبلغ ۵۰۰ هزار تا یک میلیون تومان در شرایط تورمی رقم ناچیزی است. دیدگاه دوم پیشنهاد می‌کند مجموع ۹۲ هزار میلیارد تومان باقیمانده سود سال ۱۴۰۲ به جای توزیع، صرف سرمایه‌گذاری برای افزایش ارزش پرتفوی و سودآوری شود.

رئیس اتاق تعاون ایران اعلام کرد: با رد دیدگاه دوم، روش توزیع مستقیم سود همچون سال‌های گذشته اجرا خواهد شد و دومین مرحله پرداخت، به احتمال زیاد اواسط یا اواخر شهریور انجام می‌شود.

مهلت استفاده از کالا برگ

تا پایان شهریور تمدید شد

سختگوی طرح کالا برگ الکترونیک از تمدید استفاده از طرح کالا برگ تا پایان شهریورماه سال جاری خبر داد.

مرحان دبیری، سختگوی طرح کالا برگ الکترونیک از تمدید اجرای طرح کالا برگ تا پایان شهریورماه خبر داد و گفت: تاکنون ۱۷ میلیون و ۵۷ هزار و ۱۴۷ نفر سرپرست خانوار با مانده صفر خرید کرده‌اند و تعداد زیادی باقی نمانده است.

سختگوی طرح کالا برگ الکترونیک گفت: بنا بر مصوبه هیات دولت، قرار است طرح کالا برگ در راستای کمک به اقشار کم‌درآمد و حمایت از سبد غذایی آنها باشد. از این رو، اگر باز رسان ما که رصد میدانی دارند، گزارشی مبنی بر تخلف فروشگاه‌ای اعلام کنند بدون چشم‌پوشی کد ترمینال فروشنده‌ای متخلف مسدود می‌شود.

وی با اشاره به اینکه با توجه به گرانی برنج استقبال از این کالا زیاد بوده است، گفت: برنج در صدر و سپس حبوبات و گوشت قرمز و گوشت سفید در سبد خرید مشمولان کالا برگ بوده است. دبیری درباره اینکه آیا با حذف یارانه ثروتمندان طرح کالا برگ ادامه دارد یا خیر، گفت: طبق اظهارات وزیر کار با حذف ۳ دهک بالا تنها ۵ همت منبع مالی به دست می‌آید که برای کالا برگ ۷ دهک دیگر به ۲۵ همت نیاز داریم، بنابراین حذف یارانه دهک‌های ۸ تا ۱۰ کمکی به تأمین منابع کالا برگ نمی‌کند. وی با اشاره به اینکه برای ادامه یافتن کالا برگ هنوز تصمیم نهایی گرفته نشده است، گفت: به نظر می‌رسد ادامه طرح کالا برگ فقط برای ۳ دهک اول باشد اما هنوز نتیجه نهایی نشده است. آزمون‌وسع یارانه‌گیران به ۶ ماه یک بار برگزای می‌شود و افراد بین دهک‌های درآمدی جابه‌جا می‌شوند.

وی درباره تأمین برخی کمبودها نیز که در فروشگاه‌ها وجود دارد، اظهار کرد: وزارت جهاد کشاورزی و وزارت صنعت، معدن و تجارت در این طرح وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی را همراهی می‌کنند. ناظران میدانی این وزارتخانه‌ها طی رصدی که از فروشگاه‌های تحت پوشش طرح انجام می‌دهند، اگر کمبودی در فروشگاه‌های مشاهده شود گزارش شده و به‌سرعت باحیاج تأمین می‌شود.

ثبت نشانی در سامانه املاک

پیش شرط ۵ خدمت بانکی از ۳۱ مرداد

از ۳۱ مردادماه ۵ خدمت کلیدی بانکی تنها به مشتریان ارئه می‌شود که نشانی محل سکونت خود را در سامانه ملی املاک و اسکان ثبت و تأیید کرده باشند؛ تصمیمی که بانک مرکزی آن را گامی مهم برای شفافیت مالی و مقابله با حساب‌های بانکی ناشانی صوری می‌داند.

بر اساس ضرب‌الاجل بانک مرکزی برای شبکه بانکی کشور، ۳۱ مرداد ۱۴۰۴ آخرین فرصت ارائه ۵ خدمت بانکی بدون ثبت نشانی در سامانه املاک است و بعد از این تاریخ، ارائه ۵ خدمت مهم بانکی صرفاً به مشتریانی انجام می‌شود که نشانی محل سکونت خود را در سامانه ملی املاک و اسکان ثبت و تأیید کرده باشند.

بر اساس متن این بخشنامه که در ماه‌های قبل از سوی بانک مرکزی به نظام بانکی ابلاغ شده، خدمات مشمول این الزام شامل افتتاح حساب جدید، صدور دسته‌چک، اعطای انواع تسهیلات بانکی، قبول تعهدات و ارائه ابزارهای پرداخت و پذیرش است. بر همین اساس نیز بانک‌ها پیش از ارائه هر یک از این خدمات باید نشانی اماکنگاه اصلی مشتریان را از سامانه ملی املاک و اسکان وزارت راه و شهرسازی استعلام کنند و تنها در صورت تطابق اطلاعات، مجاز به ادامه فرآیند خواهند بود.

بانک مرکزی هدف اصلی این اقدام را یکپارچه‌سازی داده‌های هویتی و مکانی، جلوگیری از سوءاستفاده‌های بانکی، ارتقای شفافیت مالی و اجرای کامل قوانین مبارزه با پولشویی عنوان می‌کند. به گفته کارشناسان، عدم وجود پایگاه اطلاعاتی دقیق از نشانی افراد، همواره یکی از چالش‌های نظارتی در شبکه بانکی و نظام مالی کشور بوده است.

با اتصال بانک‌ها به سامانه ملی املاک و اسکان، اطلاعات محل سکونت مشتریان به‌روز و قابل راستی‌آزمایی خواهد بود؛ امری که می‌تواند از ایجاد حساب‌های بانکی با هویت یا نشانی صوری جلوگیری کند و در شناسایی بهتر مشتریان حقیقی و حقوقی مؤثر باشد.



مروری بر برنامه‌های دولت برای آزادسازی قیمت حامل‌های انرژی

سناریوهای بنزین

ایران با عبور از مصرف روزانه ۱۲۵ میلیون لیتر بنزین به‌واردکننده تبدیل شده‌است

بی‌رویه و ناکارآمدی در بخش حمل‌ونقل ایجاد کرده است، برای کاهش ناترازی بنزین، مجموعه‌ای از راهکارهای ساختاری قابل اجرا هستند که در ۶ محور اصلی دسته‌بندی می‌شوند:

۱- اصلاح الگوی مصرف و حمل‌ونقل عمومی از طریق نوسازی ناوگان، توسعه مترو و تشویق به استفاده از حمل‌ونقل پاک.
۲- ارتقای کیفیت خودروهای داخلی با اجرای استانداردهای سختگیرانه، تولید خودروهای کم‌مصرف و اسقاط خودروهای فرسوده.

۳- افزایش ظرفیت تولید پالایشگاه‌ها با سرمایه‌گذاری در پالایشگاه‌های جدید، تنوع‌بخشی به خوراک و توسعه پالایشگاه‌های کوچک.

۴- توسعه سوخت‌های جایگزین مانند CNG، خودروهای برقی و LPG.

۵- اصلاح سیاست‌های قیمت‌گذاری با هدفمند کردن یارانه‌ها، قیمت‌گذاری پلکانی و استفاده از کارت سوخت هوشمند

۶- مدیریت تقاضا و فرهنگ‌سازی از طریق آموزش عمومی، برنامه‌های تشویقی و سامانه‌های پایش مصرف. اجرای این راهکارها باید بر اساس اولویت‌بندی زمانی و اثربخشی انجام شود.

در کوتاه‌مدت (یک تا ۲ سال)، اقداماتی مانند اجرای سهمیه‌بندی هوشمند، حذف یارانه دهک‌های بالا، توسعه محدود جایگاه‌های CNG و نوسازی ناوگان حمل‌ونقل عمومی با اتوبوس‌های کم‌مصرف قابل اجرا هستند. در میان‌مدت (۲ تا ۵ سال)، سرمایه‌گذاری در پالایشگاه‌های کوچک، توسعه خطوط مترو، اصلاح استانداردهای خودروسازی و ایجاد زیرساخت‌های شارژ خودروهای برقی باید در دستور کار قرار گیرد.

در بلندمدت (۵ تا ۱۰ سال)، تحول کامل در سیاست‌های انرژی با تمرکز بر سوخت‌های پاک، جایگزینی تدریجی خودروهای بنزینی با برقی و هیبریدی، اصلاح فرهنگ مصرف سوخت و پیوستن به پیمان‌های زیست‌محیطی برای جذب سرمایه‌گذاری خارجی ضروری خواهد بود. برآورد هزینه‌های اجرایی این راهکارها نشان می‌دهد نوسازی ناوگان حمل‌ونقل عمومی حدود ۵ میلیارد دلار در ۵ سال، توسعه پالایشگاه‌های کوچک هر واحد حدود ۳۰۰ تا ۵۰۰ میلیون دلار، ایجاد زیرساخت CNG حدود ۱،۲ میلیارد دلار برای ۱۰۰۰ جایگاه جدید توسعه مترو و حمل‌ونقل ریلی بیش از ۸ میلیارد دلار در کلان‌شهرها و حمایت از تولید خودروهای برقی حدود ۲ میلیارد دلار در قالب تسهیلات و مشوق‌ها هزینه خواهد داشت. این هزینه‌ها در مقایسه با هزینه واردات بنزین (حدود ۵ میلیارد دلار در سال) و یارانه پنهان سوخت (بیش از ۲۰۰ میلیارد دلار در سال) قابل توجیه هستند، به‌ویژه اگر با کاهش ناترازی، افزایش بهروری و کاهش آلودگی هوا همراه شوند.

تل آویو و تراکنش‌های تاریک؛ پولشویی در پوشش استارت آپ

■ مدل‌های شست‌وشوی پول در پوشش نوآوری

الگوی رایج در این نوع پولشویی، شامل تأسیس شرکت‌های نوپا در حوزه‌هایی مانند فین‌تک، رمزارز، هوش مصنوعی یا بیوتکنولوژی است. این شرکت‌ها در ظاهر پروژه‌هایی نوآورانه دارند اما عملاً فاقد محصول واقعی یا بازار مصرف مشخص هستند. سرمایه‌گذاری اولیه معمولاً از صندوق‌های کوچک یا شرکت‌های واسطه وارد می‌شود، سپس با گردش سریع در چند کشور و جذب سرمایه بیشتر، منشأ اولیه سرمایه به فراموشی سپرده می‌شود. در این میان، استفاده از رمزارزها (مانند بیت‌کوین، مونرو و USDT) نیز راهی دیگر برای انتقال سریع و ناشناس پول‌های مشکوک در ساختار این استارت‌آپ‌هاست.

■ **چرا گانگسترهای صهیونیست پولشویی را دوست دارند؟**
چند دلیل کلیدی، سرزمین‌های اشنشالی را به نقطه‌ای مناسب برای شست‌وشوی پول تبدیل کرده‌اند:

۱- **حمایت شدید رژیم از فناوری:** رژیم صهیونیستی اسرائیل از دهه ۹۰ میلادی به‌طور گسترده از استارت‌آپ‌ها حمایت می‌کند. همین موضوع سبب شده بسیاری از پروژه‌های مشکوک نیز در سایه این حمایت‌ها فعالیت کنند.

۲- **شبکه‌های یهودی جهانی:** لابی‌های اقتصادی یهودی در آمریکا، اروپا، آفریقا و روسیه، امکان انتقال امن سرمایه‌های مشکوک به داخل اکوسیستم تل آویو را فراهم می‌کنند.

۳- **نیود شفافیت در برخی صندوق‌های سرمایه‌گذاری:** برخی صندوق‌های سرمایه‌گذاری خطرپذیر (VCها) یا ساختارهای مالیاتی پیچیده مانند شرکت‌های آف‌شور (Offshore) در قبرس، سوویس یا پاناما، به راحتی در ساختار مالی استارت‌آپ‌های اسرائیلی وارد می‌شوند.

۴- امنیت قضایی برای سرمایه‌داران خاص: نظام حقوقی اسرائیل برای برخی سرمایه‌داران خاص، امنیت قضایی و مصونیت فراهم می‌کند، به‌ویژه آنهایی که در حوزه فناوری و دفاع همکاری دارند.

در سال‌های اخیر چندین پرونده رسانه‌ای و حقوقی منتشر شده که نشان می‌دهد چگونه شرکت‌هایی با ظاهر فناورانه، به‌واقع پوششی برای فعالیت‌های مجرمانه بوده‌اند. به عنوان مثال:

- یک شرکت امنیت سایبری مستقر در تل آویو که ادعا می‌کرد روی هوش مصنوعی کار می‌کند، در واقع برای چند شبکه جاسوسی فرامرزی فعالیت می‌کرده و با قراردادهای غیرشفاف، پول‌هایی از کشورهای شرق اروپا را وارد کرده بود.
- چندین استارت‌آپ بلاک‌چین‌محور نیز در سال‌های ۲۰۲۰ تا ۲۰۲۳، پس از افشای اطلاعات بانکی در افشاگری‌های پاندورا و پاناما، به مشارکت در گردش سرمایه‌های مشکوک متهم شدند.

برخی تحلیل‌گران معتقدند سکوت کابینه اسرائیل در برابر این شبکه‌های مالی، تنها از ناتوانی در نظارت ناشی نمی‌شود، بلکه بخشی از آن عامدانه و هدفمند است. به‌ویژه در حوزه فناوری، بسیاری از استارت‌آپ‌ها با نهادهای امنیتی اسرائیل همچون موساد یا ارتش همکاری دارند. در چنین وضعیتی، پروژه‌های اقتصادی نیمه‌شفاف، به‌عنوان پوشش برای فعالیت‌های اطلاعاتی یا عملیات‌های برون‌مرزی استفاده می‌شوند. حتی برخی شرکت‌های مشکوک به پولشویی، از حمایت‌های مستقیم دولتی در قالب طرح‌های تشویقی، معافیت‌های مالیاتی و صدور ویزای ویژه برای سرمایه‌گذاران برخوردار شده‌اند.

را از واردکننده به صادرکننده فرآورده‌های نفتی تبدیل کند. در نهایت، کاهش ناترازی بنزین نیازمند یک رویکرد چندلایه است که هم‌زمان به زیرساخت، فرهنگ مصرف، سیاست‌گذاری و فناوری توجه کند. تمرکز صرف بر افزایش تولید بدون اصلاح مصرف، تنها ناترازی را به تعویق می‌اندازد. در مقابل، ترکیب سیاست‌های قیمتی، توسعه حمل‌ونقل عمومی، اصلاح خودروها و ارتقای بهروری پالایشگاه‌ها می‌تواند به تعادل پایدار منجر شود و ایران را در مسیر امنیت انرژی، عدالت اجتماعی و توسعه پایدار قرار دهد.

در این چارچوب، یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های مغفول‌مانده در سیاست‌گذاری انرژی ایران، «عدالت مصرف» است. یارانه بنزین در شکل فعلی خود، نه‌تنها به اقشار کم‌درآمد کمک نمی‌کند، بلکه عمدتاً به نفع دهک‌های بالای درآمدی است که مالک خودروهای شخصی و پرمصرف هستند. بر اساس مطالعات اقتصادی، دهک‌های پایین جامعه سهم اندکی از مصرف بنزین دارند، در حالی که بیشترین بهرهمندی از یارانه سوخت نصیب دهک‌های بالا می‌شود. این وضعیت نه‌تنها ناعادلانه است، بلکه موجب تعمیق شکاف اجتماعی و ناکارآمدی در تخصیص منابع عمومی می‌شود.

از سوی دیگر، مساله «کتاب‌آوری اجتماعی» در برابر اصلاحات قیمتی، نیازمند توجه ویژه است. تجربه افزایش قیمت بنزین در آبان ۱۳۹۸ نشان داد هرگونه تغییر ناگهانی و بدون اقتاع عمومی، می‌تواند با واکنش‌های شدید اجتماعی مواجه شود. بنابراین، اصلاح قیمت بنزین باید در قالب یک بسته جامع و مرحله‌ای صورت گیرد که شامل حمایت‌های جبرانی هدفمند، اطلاع‌رسانی شفاف و مشارکت نهادهای مدنی باشد. دولت باید نشان دهد هدف از اصلاحات، نه صرفاً کاهش هزینه‌ها، بلکه بهبود عدالت، کارآمدی و پایداری اقتصادی است.

در کنار اصلاحات داخلی، فرصت‌های منطقه‌ای نیز می‌تواند به کاهش ناترازی بنزین کمک کنند. ایران با برخورداری از موقعیت ژئوپلیتیک ممتاز و همسایگی با کشورهای نیازمند انرژی، می‌تواند با توسعه پالایشگاه‌های مرزی و ایجاد بازارهای منطقه‌ای برای فرآورده‌های نفتی، به‌صا‌رکننده بنزین تبدیل شود. این امر مستلزم جذب سرمایه‌گذاری، انتقال فناوری و تعامل سازنده با کشورهای همسایه است. در واقع، تبدیل تهدید بنزین به فرصت صادرات، نیازمند نگاه راهبردی و بلندمدت در سیاست انرژی کشور است.

در نهایت، آینده بنزین در ایران به تصمیماتی وابسته است که امروز اتخاذ می‌شود. اگر این تصمیمات بر پایه شواهد علمی، مشارکت اجتماعی و نگاه توسعه‌محور باشند، می‌توان امید داشت کشور از چرخه معیوب یارانه، قاچاق و ناترازی خارج شود و به سمت بهروری، عدالت و پایداری حرکت کند اما اگر سیاست‌ها همچنان واکنشی، مقطعی و فاقد انسجام باشند، ناترازی بنزین نه‌تنها ادامه خواهد یافت، بلکه به بحرانی فراگیر در حوزه انرژی، اقتصاد و جامعه بدل خواهد شد.

■ رمزارزها و بازارهای آفریقا

رژیم صهیونیستی از پیشگامان استفاده رسمی و غیررسمی از رمزارزها در منطقه خاورمیانه است. در سال‌های اخیر بسیاری از پروژه‌های رمزارز که منشأ نامشخص دارند، دفترهای صوری یا اجرایی در تل آویو ایجاد کرده‌اند. برخی از این پروژه‌ها در ظاهر به دنبال «شمول مالی» در آفریقا متوجه شده‌اند اما در واقعیت، ابزارهایی برای شست‌وشوی درآمدهای ناشی از تجارت اسلحه، معادن غیرقانونی و قاچاق انسانی‌اند. حضور شرکت‌های اسرائیلی در بازارهایی چون نیجریه، اتیوپی، ساحل عاج و کنیا، نه‌تنها جنبه تکنولوژیک دارد، بلکه بخشی از راهبرد اقتصاد سیاسی اسرائیل برای توسعه نفوذ از طریق شبکه‌های مالی موازی است. در حالی که بسیاری از نهادهای بین‌المللی نسبت به پولشویی در حوزه رمزارز با استارت‌آپ‌ها هشدار داده‌اند، گزارش‌های خاص درباره نقش تل آویو یا شرکت‌های صهیونیستی بسیار محدود است. این سکوت، تا حد زیادی ناشی از نفوذ گسترده رسانه‌ای و دیپلماتیک اسرائیل در غرب است. حتی در اسناد مالی افشا شده، اطلاعات مربوط به شرکت‌های صهیونیستی با حساسیت خاصی حذف یا سانسور شده‌اند. در جهانی که فناوری و نوآوری به ارزش‌های مقدس اقتصاد جهانی تبدیل شده‌اند، قضا برای سوءاستفاده از این مفاهیم برای اهداف مجرمانه نیز مهیا شده است. تل آویو در ظاهر شهری درخشان در عرصه فناوری است اما در عمق تبدیل به گذرگاهی برای سرمایه‌هایی شده که نه از نوآوری، بلکه از تاریکی سرچشمه گرفته‌اند. برای مبارزه مؤثر با پولشویی باید این ساختارهای پیچیده مالی -فناورانه شفاف‌سازی شوند و حمایت‌های سیاسی از «نوآوری آلوده» متوقف شود، در غیر این صورت، فناوری نه ابزار توسعه، بلکه بهانه‌ای برای مشروع‌سازی جرم خواهد بود.

رژیم صهیونیستی در دهه‌های اخیر خود را به‌عنوان یکی از قطب‌های جهانی نوآوری و فناوری معرفی کرده است. شهری مانند تل آویو، با بیش از ۶ هزار شرکت نوپا (استارت‌آپ)، میزبان سرمایه‌گذاران

و صندوق‌های خطرپذیری است که سالانه میلیاردها دلار را جابه‌جا می‌کنند اما در پس این چهره درخشان تکنولوژی، لایه‌ای پنهان و کمتر دیده‌شده از اقتصاد در جریان است: پولشویی سیستماتیک با پوشش نوآوری. در این یادداشت به بررسی این پدیده خطرناک و کمتر بررسی‌شده می‌پردازیم که چگونه اکوسیستم استارت‌آپی رژیم صهیونیستی، به‌ویژه در تل آویو، به بستری برای عبور و شست‌وشوی پول‌های مشکوک تبدیل شده است؛ پول‌هایی که گاه منشأ آنها قاچاق، فساد سیاسی، یا جنایت‌های فراملی است.

■ **تل آویو؛ پایتخت فناوری یا پیهشت پول‌های کثیف؟**
تل آویو همواره به عنوان موتور نوآوری اسرائیل شناخته شده است؛ شهری که با لقب «ملت استارت‌آپ‌ها» (Start-up Nation) در رسانه‌ها مطرح می‌شود اما درست در همین فضای پرزرق‌وبرق، حجم بالای سرمایه‌گذاری‌های خارجی، نبود شفافیت مالی کافی، وابستگی به بازارهای پربریسک و عدم نظارت دقیق بر منشأ سرمایه‌ها، بستری برای پولشویی ایجاد کرده است. در بسیاری از موارد، استارت‌آپ‌های صوری یا نیمه‌فعال، تنها نقش واسطه‌هایی را بازی می‌کنند که پول‌هایی از روسیه، اوکراین، آفریقا یا حتی برخی کشورهای عربی، با گذر از تل آویو، مشروع جلوه داده می‌شوند.

